

مقاله پژوهشی

تاثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه

(مطالعه موردی: شهرستان کرمان)

فهیم فاریابی^۱، سید عباس یزدانفر^{۲*}

۱- کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

چکیده

محققان مسکن را چیزی بیش از نیاز انسان به سرپناه می‌دانند و معتقدند که از جمله مولفه‌های اصلی تاثیرگذار بر شکل و فرم آن فرهنگ است. اما از آنجایی که فرهنگ مفهومی پیچیده و بسیار عام می‌باشد، نیاز است که به مولفه‌هایی قابل سنجش و اندازه‌گیری مانند شیوه زندگی بسط پیدا کند. نادیده انگاشتن مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسانه در سال‌های اخیر باعث کاهش رضایت‌مندی و از بین رفتن هویت فرهنگی مسکن شده‌است.

دگرگونی سبک زندگی در طول دوره‌های تاریخی مختلف و ارتباط مستقیمی که میان آن با شکل و فرم مسکن وجود دارد، امکان مطالعه و بررسی سیر تاثیر آن بر خانه را در دوره‌های مختلف تاریخی فراهم می‌کند. این پژوهش به دنبال یافتن سیر تغییر سازمان فضایی خانه‌های کرمان از طریق مطالعه سیر تغییر تحول سبک زندگی است.

شیوه توصیفی-تحلیلی روش کار این پژوهش است. در مرحله اول با مطالعات کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و در مرحله دوم با مطالعات میدانی برداشت نمونه‌های موجود در شهر کرمان که شامل خانه‌هایی در دوره‌های قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم، اوایل انقلاب و معاصر می‌باشد بدست آمده‌است. سپس خانه‌های هر دوره بر اساس مصاحبه و پرسشنامه‌هایی که از طریق ساکنین آنها جمع‌آوری شده‌است، انطباق کالبدی پیدا کرده‌اند، تا تاثیر سبک زندگی بر ساختار کالبدی مشخص شود.

در آخر و به منظور نتیجه‌گیری از طریق تحلیل نمونه‌های کالبدی مبتنی بر سبک زندگی، سیر تغییرات تاریخی آنها معلوم می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که دگرگونی سبک زندگی ارتباط مستقیم و قابل مشاهده‌ای بر کالبد خانه دارد و عدم شناخت و مطالعات کافی در این زمینه باعث شده‌است که در دوره‌های متاخر خانه‌ها متناسب با زندگی کاربران نباشد.

واژگان کلیدی: مسکن، الگوی مسکن، شکل و فرم مسکن، شیوه زندگی، سیر تحول تاریخی، کرمان

۱- مقدمه

نقش خانه به عنوان مهم‌ترین مکان زندگی بشر به منظور فراهم ساختن محیطی سازگار با روش زندگی انسان، بر کسی پوشیده نیست. با این حال در عصر جدید و شیوع سبک ساخت و ساز بی‌هویت فعلی، کلیه ساخت و سازها در تمامی نقاط کشور به سمت یکسان شدن پیش‌رفته و به علت نادیده انگاشتن کاربران و یا عدم شناخت کافی نسبت به نیازهای آنان، منجر به بروز مشکلاتی چون کاهش رضایت‌مندی، از بین رفتن هویت فرهنگی و مکانی، دگرگونی در رفتارهای اجتماعی ساکنین شده‌است. در حالی که توجه به معماری برخاسته از شیوه زندگی، باورهای جامعه بومی و بستر شهر که طی زمان تحت تاثیر عوامل مکانی و فرهنگی، شکل و محتوای خاصی یافته‌است، می‌تواند سبب افزایش رضایت‌مندی، تعلق به فضا و به‌طور کلی برآوردن نیازهای واقعی ساکنین شود.

از آنجا که خصوصیات کالبدی فضاها بر اساس فرهنگ مردم و ساکنان آن سازمان می‌یابد، شناخت ویژگی‌های فرهنگی بستر مورد مطالعه در مرحله اول و بررسی تاثیر آن بر مسکن به عنوان کالبد غالب فرهنگی جامعه، امری ضروری به نظر می‌رسد. و از آنجا که شیوه زندگی وجه اصلی و کاربردی فرهنگ در ساختارهای کالبدی معماری بومی است، هدف این پژوهش بررسی تغییرات الگوی کالبدی با توجه به الگوهای رفتاری و شیوه زندگی می‌باشد. هرچند عوامل دیگری نظیر اقلیم، اقتصاد و غیره نیز در تغییرات الگوی کالبدی تاثیرگذار است. لذا سوالاتی که در این راستا مطرح می‌شوند، عبارتند از:

- خانه‌های بومی کرمان و تغییرات آنها در گذر زمان چگونه بوده‌اند؟

- شیوه زندگی در این خانه‌ها و سیر تحول زمانی آن کدام است؟

- تغییرات شیوه زندگی در گذر زمان، چه تاثیری بر الگوی مسکن این شهر داشته‌است؟

برای پاسخگویی به این سوالات، پژوهش حاضر در سه بخش تدوین شده‌است. بخش اول شامل مرور ادبیات موضوع می‌باشد که به بررسی تحقیقات انجام شده در این زمینه و در پایان آن نگارش چارچوب نظری پژوهش است. بخش دوم در برگیرنده داده‌های جمع‌آوری شده از مطالعات میدانی پیرامون خانه‌های شهر کرمان است. در بخش آخر و به منظور جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، الگوهای کالبدی و شیوه زندگی تمامی دوره‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد و نتایج ارائه می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

در این بخش به مرور ادبیات موضوع و بررسی آنچه صاحب‌نظران در ارتباط آنها مطرح کرده‌اند، پرداخته شده‌است. از نظر نگارندگان حلقه اول ورود به موضوع با توجه به عنوان و بستر مورد مطالعه، معماری بومی است. پس در یک فرآیند رفت و برگشتی (نمودار ۲) ابتدا کالبد (در اینجا معماری بومی) شناسایی و مورد مطالعه قرار داده‌شده و سپس میزان انطباق فرهنگ بر آن سنجیده شده‌است. اما همانطور که پیش‌تر توضیح داده‌شد، از آنجایی فرهنگ مفهومی پیچیده و بسیار عام می‌باشد، نیاز است که به مولفه‌هایی قابل سنجش و اندازه‌گیری مانند شیوه زندگی بسط پیدا کند. پس بیان ارتباط میان سبک زندگی و مسکن نیز از موضوعات مورد توجه در این بخش خواهد بود.

۱-۲- معماری بومی

پس از رشد سریع جوامع صنعتی و مدرنیزه‌شدن آنها، مشکلات و کمبودهای حاصل از این تغییرات یکی پس از دیگری آشکار شد و دست اندرکاران را به فکر واداشت. از جمله راهکارهایی که برای اصلاح و بهبود شرایط حاکم بر معماری جامعه تدبیر گردید، توجه دوباره به معماری قبل از دوران مدرن و یادگیری از جنبه‌های مثبت آن و بکارگیری دوباره ارزش‌ها و اصول آن بود (صادق پی، ۱۳۹۱).

احتمالاً جواب این پرسش که چرا [باید] معماری بومی را مورد مطالعه قراردهیم (راپاپورت، ۱۹۹۹) با جواب‌های مختلفی روبرو خواهد شد. از یک طرف دیسپلین‌هایی مانند معماری، انسان‌شناسی، تاریخ، باستان‌شناسی، جغرافی و بسیاری دیگر (الیور، ۱۹۹۳) که با این رسته در ارتباط‌اند، موضوع را بر اساس ادبیات اختصاصی خود مورد مطالعه قرار می‌دهند. از طرفی دیگر، خود معماران نیز با این موضوع از جنبه‌های مختلف برخورد می‌کنند.

برخی از آنها علاقه‌مند به مطالعه چگونگی پاسخگویی اقلیمی در این نوع معماری می‌باشند، در حالی که دیگران به مصالح و شیوه‌های ساخت که در ساختمان‌های بومی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌پردازند. گرچه افرادی دیگر اساساً فایده مطالعه این نوع از معماری را زیر سوال می‌برند (راپاپورت، ۱۹۹۹).

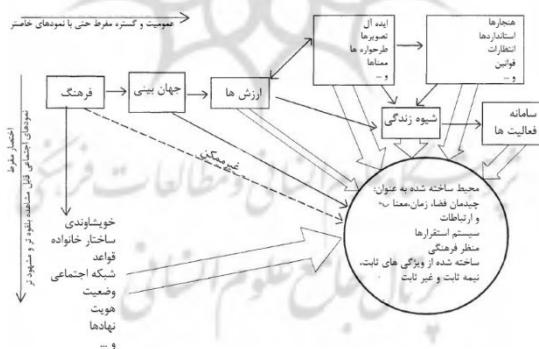
زیر سوال بردن نقش تعیین‌کننده اقلیم در پیدایش فرم مصنوع، به معنای نفی اهمیت اقلیم نیست. بررسی تفاوت‌های جدی میان الگوهای شهری و گونه‌های مسکونی در منطقه‌ای واحد، نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها بیشتر به عامل فرهنگ بستگی دارد تا آب و هوا. در بسیاری از مناطق دنیا راه‌حل‌های ناسازگار با اقلیم وجود دارند (راپاپورت، ۱۳۸۸).

۲-۲- فرهنگ و معماری

اهمیت رابطه میان فرهنگ و محیط ساخته‌شده ممکن است از این پرسش معلوم گردد که چرا در این محیط‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد (لارنس و لو، ۱۹۹۰) یا چرا وقتی از دیدگاه تاریخی یا چندفرهنگی به موضوع نگاه می‌کنیم تعداد زیادی از فرم‌های مسکن و گونه‌های مختلف آن را می‌یابیم (Oliver, 1998)) سوال از اینکه چگونه محیط پاسخگو و متناسب با فرهنگ است، توجه قابل ملاحظه‌ای به خود جلب نکرده است. بخشی از مشکل احتمالاً به این دلیل است که توصیف یا تشخیص این تناسب و پاسخگویی به فرهنگ مشکل است (Rapoport, 1987).

پاول اولیور فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، فعالیت‌ها و مصنوعات، از جمله ساختمان‌های یک جامعه می‌داند که به زندگی افراد معنا و جهت می‌دهد. فرهنگ از نظر او اکتسابی و نه ارثی است و فرهنگ جامعه‌ای است که اعضای آن کلیتی را شریک هستند. ویژگی‌های فرهنگی جنبه‌های ساختار اجتماعی و رفتار گروه یا ارزش‌هایی است که می‌توانند تعریف و با ویژگی‌های فرهنگی‌های دیگر قیاس شوند (Oliver, 2006).

راپاپورت تفکیک فرهنگ به اجزا و عناصر تشکیل دهنده را در دو مسیر پی می‌گیرد که هر یک زمینه پاسخ به یکی از مسائل اساسی فرهنگ را مهیا می‌سازد. این دو مسیر متفاوت در عین حال مکمل هم نیز هستند و تعاملی چندگانه دارند. لذا لازم است که این دو مسیر هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. راپاپورت سعی کرده است در [نمودار زیر]، موضوع تفکیک فرهنگ را به صورت خلاصه بیان کند. این نمودار در واقع تجمیع یکی از مهم‌ترین بحث‌های او، یعنی تلاش برای عینی ساختن مفهوم فرهنگ و به کارگیری آن در مطالعات مربوط به رابطه محیط مصنوع و فرهنگ است (فردانش و دیگران، ۱۳۹۳).



نمودار ۱: تجزیه فرهنگ (ماخذ: Rapoport, ۱۹۹۸)

راپاپورت فرهنگ را در دو محور مفاهیم تدقیق می‌کند، در محور افقی از سطح کلان معناها که جهان بینی است آغاز می‌کند، که این جهان بینی ارزش‌ها را ساخته و این ارزش‌ها منجر به شیوه خاص زندگی در هر فرهنگ و بنابراین رفتارهای خاصی در هر فرهنگ می‌شود. از طرف دیگر در محور عمودی فرهنگ را، بازنمایی‌های اجتماعی در قالب خویشاوندی، خانواده، موقعیت اجتماعی، نقش‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و ... می‌داند (Rapoport, 2000). وی برای تغییرات سریع فرهنگی، فرهنگ را در دو بخش هسته و پیرامون آن باز می‌شناسد که بخش دوم برای جدید شدن تغییر می‌کند اما هسته‌ای آن تا انتها باقی می‌ماند (همان).

او بیان می‌کند که فرهنگ نه یک شیء بلکه یک مفهوم است (Rapoport, 2000). از نگاه راپاپورت تعاریف مختلف فرهنگ در سه دیدگاه خلاصه می‌شود. ۱. روش زندگی یک گروه. ۲. نظام نشانه‌ها، معناها و طرح‌های شناسانه منتقل شده از طریق رمزهای سمبلیک و ۳. راهبردهای انطباقی برای بقا که مربوط به اکولوژی و منابع است. این سه دیدگاه نه تنها در تعارض نبوده بلکه مکمل

هم نیز می‌باشند (Rapoport, 1987). به عنوان نتیجه‌گیری کسی نمی‌تواند فرهنگ را مورد آزمایش قرار دهد، مگر خروجی‌های آن یا احتمالاً اجزا تشکیل دهنده آن را مطالعه کند.

۳-۲- شیوه زندگی

به طور کلی شیوه زندگی مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نیازهای جاری او را برآورده سازد (روحانی و دیگران، ۱۳۸۹). پژوهش در سبک زندگی^۱ از آنجا که درباره رفتارها و فعالیت‌های واقعی است این امکان را فراهم می‌کند تا تغییراتی را که در طول زمان تحقق یافته‌اند، مطالعه کرده و به این نکته پی‌ببریم که میان آنچه نظام ارزشی در گذشته یاد می‌شد با آنچه امروزه تحقق می‌یابد چقدر فاصله وجود دارد (زارع و فلاح، ۱۳۹۱). شیوه زندگی اغلب بیان روش زندگی مردم توأم با طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است که می‌توان گفت از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد و افراد به طور روزمره آنها را در زندگی خود به کار می‌برند (یزدان فر و دیگران، ۱۳۹۵).

شیوه زندگی را کم و بیش می‌توان مجموعه ترکیبی از اعمالی دانست که فردی می‌پذیرد، نه به این دلیل که این اعمال نیازها را رفع می‌کند، بلکه به این خاطر که آن‌ها صورت مادی به روایت خاص از هویت فردی می‌دهند. شیوه زندگی اعمال عادی شده‌اند. این روال‌ها در عادات‌های پوشش، غذا خوردن، طرز رفتار و محیط مطلوب برای مواجهه با دیگران ترکیب شده‌است. اما این روال دنبال شده نسبت به تغییر در طبیعت سیال هویت فردی منعطف است. همه تصمیماتی که فرد به صورت روزمره می‌گیرد مانند چه بپوشد، چه بخورد، چگونه کار بکند، چه کسی را بعد از ظهر ببیند، همگی مربوط به این روال عادی است (Giddens, 2006).

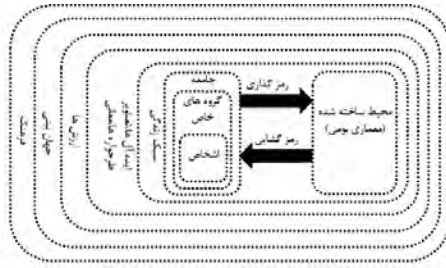
۴-۲- شیوه زندگی و مسکن

سبک زندگی خروجی تصمیم‌هایی است از آنکه چگونه منابع را تخصیص دهیم (میشلن و رد، ۱۹۷۰). تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما همزمان در خانه و مسکن به هم گره خورده‌اند، چنانکه مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نیست، بلکه الزامات و اقتضائات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل نموده‌است (فاضلی، ۱۳۸۶). خانه برای اکثر افراد بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین شی شخصی است که به وسیله آن اشخاص می‌توانند هویت خود را نشان دهد. این مورد برای آن استفاده می‌شود که به دیگران نشان داده‌شود طبقه اجتماعی، سبک زندگی و سلاقی او چگونه است (دانکن، ۱۹۸۵).

جنبه‌های دیگر فرهنگ که به طور مشخص درباره آنها بحث نکردیم (مانند: تحصیلات، نژاد، قومیت، مذهب و...) تنها زمانی به مسکن مرتبط می‌شوند که بر سبک زندگی اثر بگذارند. در غیر این صورت تقریباً بی‌ارتباط با هدف ما می‌شوند (راپاپورت، ۲۰۱۰). مهم‌ترین نکته برای توجه در حال حاضر، زمینه مشترک از انتخاب‌ها در سبک زندگی و طراحی است. به عنوان مثال، محیط‌ها را به گونه‌ای به وجود بیاوریم که با انتخاب‌ها مقابله یا اینکه به آنها جهت دهند (راپاپورت، ۱۹۹۸).

خانواده وسیله‌ای برای انتقال و پاسداری از آداب و رسوم (اخلاق) و ساختن خصلت ملی از ورای اندیشه انسان ایده‌آل است و در نهایت می‌توان پنداشت که مذهب، آداب و رسوم را تعیین می‌کند و به همین طریق خانه و مجموعه زیستی می‌تواند به عنوان روش‌های ملموس جهت تداوم بخشیدن و جاودانه کردن شیوه زندگی و تسهیل آن به کار رود (راپاپورت، ۱۳۸۸).

آنچه درباره سکونت انسان اهمیت دارد، این است که سکونت انسان در مراتب و یا مقیاس‌های مختلفی روی می‌دهد. محیط کالبدی و اجتماعی مسکن که زندگی انسان را در بر می‌گیرد، از نظر کالبدی و اجتماعی در ترکیب با محیطی کلان‌تر قرار دارد، که بر محیط کالبدی و اجتماعی مسکن تاثیر می‌گذارد. این تاثیرات حاصل فرایند ادراکی انسان از محیط خارجی پیرامون [متشکل از محیط اجتماعی و فیزیکی] است. ادراک انسان از پیام‌ها و معانی محیط کالبدی و اجتماعی کلان و خرد یا به تعبیری، محیط ادراک شده در ذهن انسان تحت فرایندهای شناختی به بروز واکنش‌ها و رفتارهای مشخص می‌انجامد (افشاری، ۱۳۹۹).



نمودار ۲: ارتباط چند لایه میان فرهنگ و محیط ساخته شده (ماخذ: نگارندگان بر مبنای راپپورت، ۱۹۸۰؛ ۱۹۹۸؛ ۲۰۱۰)

۳- چارچوب نظری پژوهش

برای بررسی خانه‌های کرمان ابتدا نیاز است که یک فرد کرمانی را به خوبی بشناسیم. این که او چگونه فردی است؟ در چه مکانی با چه ویژگی‌هایی بزرگ شده؟ نیازهایش کدامند؟ رفتارهای روزمره زندگی او چیست؟ ارزش‌ها، باورها و اندیشه‌های او چگونه هستند؟ آداب و رسوم و سنت‌های او چیست؟ به عبارت دیگر او کجا زندگی می‌کند و صاحب چه فرهنگ مادی و معنوی است و شیوه زندگی متناسب با آن در رابطه با او چگونه است؟ ثنیا خانه‌هایی که از گذشته تاکنون در آنها زندگی می‌کرده‌است بررسی شود و فضاها، عملکردها و شیوه سکونت در آنها شناسایی شود.

بدین ترتیب الگوی مسکن کرمان و شیوه زندگی در دوره‌های مختلف و سیر تحول این تغییرات از گذشته تا امروز مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا خانه‌های شهر کرمان را می‌توان به ۳ دوره تقسیم‌بندی کرد، ۱- خانه‌های سنتی: منظور خانه‌هایی هستند که از قدیم رایج بوده‌اند و قدمت آنها به دوران قاجار باز می‌گردد. خانه‌های سنتی به سه دسته، اوایل قاجار، اواسط قاجار و اواخر قاجار تقسیم شده‌اند. ۲- خانه‌های سنتی معاصر: این خانه‌ها مربوط به دوران پهلوی هستند. در عین حال که تصویر کلی خانه‌های سنتی را دارند اما با گذشت زمان و متناسب با آن به سوی معاصر شدن تغییراتی کرده‌اند. خانه‌های این دوره به دو دسته پهلوی اول و پهلوی دوم تقسیم شده‌اند. ۳- خانه‌های معاصر: خانه‌های امروزی با الگوی خانه‌سازی و شیوه زندگی غربی که مربوط به اواخر پهلوی دوم و پس از انقلاب اسلامی می‌باشند. خانه‌های معاصر نیز به دو دسته اوایل انقلاب و دوره متاخر تقسیم شده‌اند.

خانه های کرمان		
سنتی-قاجار(قبل از ۱۳۰۴)	معاصر-پهلوی(۱۳۵۷-۱۳۰۴)	امروزی-بعد از انقلاب(۱۳۹۶-۱۳۵۷)
اوایل قاجار (حدود ۲۰۰ سال)	پهلوی اول (حدود ۸۰ سال)	اوایل انقلاب (حدود ۳۰ سال)
اواسط قاجار (حدود ۱۵۰ سال)	پهلوی دوم (حدود ۶۰ سال)	متاخر (حدود ۱۵ سال)
اواخر قاجار (حدود ۱۰۰ سال)		

نمودار ۳: خانه‌های کرمان در دوره‌های تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

به منظور جامعیت و قابلیت تعمیم‌پذیر بودن نمونه‌های انتخاب شده نسبت به کل خانه‌های شهر پنج مولفه شامل فرهنگ (مذهب)، تاریخ (توسعه شهر در گذر زمان)، مسائل اجتماعی (قومیت)، منطقه‌بندی اقتصادی و ساختار کالبدی بافت انتخاب گردیده‌اند که در ادامه توضیح داده می‌شوند.

۱-۳- فرهنگ (مذهب)

غالب مردم شهر کرمان در حال حاضر مسلمان و شیعه هستند. در زمان قاجار و پهلوی جمعیت‌هایی از زرتشتیان و یهودیان در این شهر ساکن بوده‌اند که بعد از انقلاب به شهر یزد و یا خارج از کشور نقل مکان می‌کنند. در نقشه‌های زیر محدوده‌های سکونت آنها در دوره قاجار به نمایش درآمده‌است. محله‌ای که زرتشتیان در آن ساکن بوده‌اند زیرسرف و محله یهودیان دولت‌خانه نام داشته‌است.

۳-۲- تاریخ (توسعه شهر در گذر زمان)

با توجه به اینکه مبنای شروع کار این پژوهش از دوره قاجار می‌باشد، روند گسترش شهر در نقشه‌های زیر از این دوره تا دوره معاصر را نشان داده‌است. گسترش شهر کرمان از هسته‌ای مرکزی که در محدوده فعلی میدان مشتاق بوده شروع می‌گردد و سپس این روند به سمت جنوب و جنوب غرب شهر ادامه می‌یابد.

۳-۳- اجتماعی (قومیت)

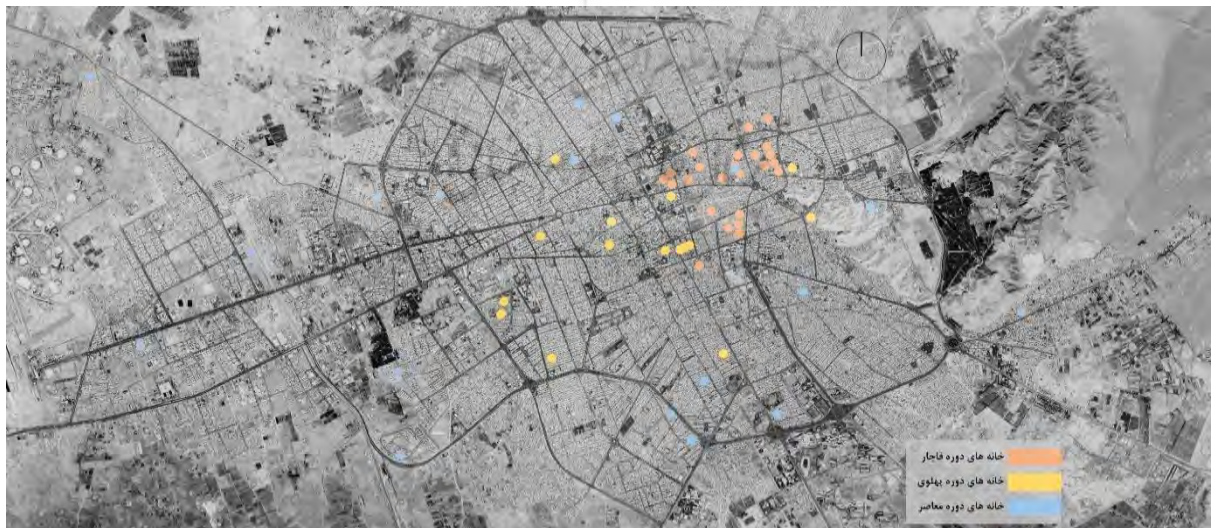
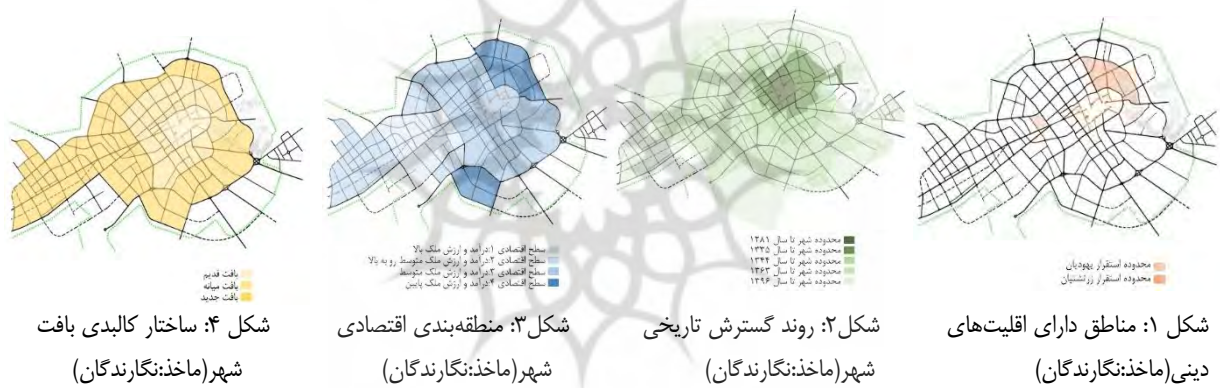
به دلیل مجاورت استان کرمان با استان‌های جنوبی، تأثیر فرهنگ‌ها و همچنین قومیت‌ها در جنوب استان کرمان به چشم می‌خورد. در شمال استان گویش‌ها و نوع زندگی با بخش جنوبی استان متفاوت است. همه این استان مگر در مناطقی خاص دارای زبان فارسی با گویش‌های متفاوت و اختلاط قومیت‌های همسایگان مجاور در بخش‌های مختلف این استان قابل مشاهده می‌باشد.

۳-۴- منطقه‌بندی از نظر وضعیت اقتصادی

با مراجعه به املاک مسکن و با توجه به در نظر گرفتن سطح درآمد خانوار در بخش‌های مختلف شهر سطوح مختلف اقتصادی در نقشه‌های زیر به نمایش درآمده‌است.

۳-۵- ساختار کالبدی بافت

در نقشه‌های زیر سطوح مختلف بافت کالبد شهر به لحاظ قدمت تاریخی معلوم گردیده‌است. سطح اول نشان‌دهنده بافت تاریخی است که محدوده محافظت‌شده این شهر از طریق سازمان میراث فرهنگی کرمان نیز می‌باشد. سطح دوم نمایانگر بافتی است که در دوره پهلوی و اوایل انقلاب شکل گرفته‌است. و در آخر سطح سوم هم نمایانگر بافت جدید و متاخر است.



۴- روش انجام تحقیق

محققان معماری بومی وظیفه‌ای دوگانه دارند: اول جمع‌آوری اطلاعات و سپس تحلیل و نظم‌دهی به آنها (لارنس، ۱۹۸۳). واضح است که دست‌یابی به اطلاعات نهفته در طراحی و استفاده از فضاهای بومی تنها با اجرای تحقیقاتی از قبیل مشاهده و مستندسازی به وسیله مطالعات میدانی به‌دست نمی‌آید. هنگامی که چنین مطالعاتی به تحلیل و تفسیر سطوح بالاتری از روش‌های معمول نرسد، محقق تنها متوجه کارکرد ساختمان خواهد شد و اطلاعات کمی از اینکه بنا چگونه ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است خواهد داشت. [در نتیجه] بلافاصله استفاده از یک روش‌شناسی جامع ضروری به نظر می‌رسد (لارنس، ۱۹۸۵). از آنجا که مطالعات این پژوهش در حوزه روان‌شناسی محیط (با اهمیت دادن به بوم‌شناختی و در جهت شناخت تاثیر رسوم و اعتقادات مذهبی بر محیط مسکونی است، و چون بسیاری از پژوهش‌های معماری بین‌رشته‌ای بوده و نیازمند روش‌های خاص ترکیبی می‌باشند) گروت و وانگ، ۱۳۸۶، از روش مطالعات ترکیبی استفاده شده است (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹).

این طرح تحقیق از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول آن شامل مطالعات کتابخانه‌ای به منظور رسیدن به چارچوب نظری تحقیق و سیری در منابع موجود و بخش دوم شامل جمع‌آوری میدانی اطلاعات خانه‌های موجود است. برای انتخاب روش تحقیق ترکیبی از روش توصیفی-تحلیلی برای بخش اول و روش نمونه‌موردی برای بخش دوم بکاررفته است. جوهره روش مطالعه موردی تمرکز آن بر مطالعه یک محیط یا پدیده که در بافت روزمره زندگی نهفته شده است می‌باشد. به علاوه مطالعه موردی شامل مطالعه یک نمونه در رابطه با یک مکانیزم پیچیده که با آن درگیر است و همچنین مطالعه خود آن نمونه به عنوان یک عضو جدایی‌ناپذیر می‌باشد (گروت و وانگ، ۲۰۰۲).

در بخش دوم با شناسایی خانه‌های موجود در سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و معاصر و به‌دست‌آوردن اطلاعات معماری آنها شامل پلان‌ها و همچنین عکس‌برداری از این خانه‌ها و از طرفی انجام مصاحباتی با ساکنین این خانه‌ها در صورت حضور در خانه به منظور دست‌یابی و آشنایی با شیوه زندگی آنها صورت گرفت^۲. در پرسشنامه‌ها سوالاتی از قبیل:

- تعداد اعضای خانواده و نحوه سکونت آنها در صورت بیش از یک خانوار بودن
- شغل و معیشت اعضای اصلی خانواده شامل پدر و برادران
- نحوه ارتباط با همسایگان (شامل جنسیت‌های مختلف)
- محل انجام فعالیت‌های مختلف مانند خوابیدن، پذیرایی از مهمان، نماز خواندن، غذا خوردن، تهیه غذا و...
- حرکت‌های فصلی (بهار، تابستان، پاییز و زمستان) در خانه‌هایی که این امکان در آنها فراهم بوده است
- نحوه استفاده از فضاهایی مانند حیاط، بام و...
- فعالیت‌های جمعی

- آداب و رسوم و مراسم و جشن‌های خاص در فصول مختلف سال

- نحوه تامین و دسترسی به آب

- شیوه زندگی در یک روز کامل

پرسیده شد. چنان که معلوم است این سوالات به منظور آشنایی هر چه بیشتر نگارندگان با جنبه‌های مختلف از شیوه زندگی (چنان که در بخش پیشینه تحقیق شد) طرح‌ریزی شده‌اند. بعد از استخراج شیوه زندگی، کار تطبیق این مورد با پلان یکی از خانه‌های هر دوره (که گونه غالب آن دوره است) به منظور نشان دادن ارتباط و تاثیر این مورد بر معماری خانه‌ها صورت پذیرفت.

۵- یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا به شناخت مختصری از شهر کرمان به لحاظ جغرافیایی و تاریخی پرداخته شده است. سپس دسته‌بندی تاریخی خانه‌ها و روش انجام آن مورد تدقیق واقع شده است. پس از آن پلان خانه‌های هر دوره در جداولی ارائه و تطبیق کارکردها به عنوان شیوه زندگی روزانه با خانه منتخب هر دوره (به عنوان گونه غالب آن دوره) صورت گرفته است.



شامل: دانایی و دکتر باخدا، تعدادی از خانه‌های زرتشتیان در محله زریسف شامل: پورثانی، اوشیدری ۱ و ۲، رستم فرخزاد، کاظمی و سروشیان نیز جایگذاری شده‌اند که به لحاظ قدمت ساخت هم‌دوره خانه‌های مسلمانان در این دوره‌اند. همچنین سه عدد از خانه‌های کلیمیان به عنوان نمونه آورده شده‌اند. حدود تقریبی ساخت این خانه‌ها ۱۰۰ سال می‌باشد.

از آنجایی که فضای معماری فرهنگ‌پذیر بوده‌است و فرهنگ نیز بر معماری تاثیر می‌گذارد، لایه اول وحدت‌بخش معماری خانه‌های کرمان، ناشی از فرهنگ اسلامی، به عنوان فرهنگ حاکم و در اصولی همچون حفظ حریم خصوصی، رعایت حقوق همسایه و تکریم مهمان بوده‌است که با توجه به پذیرش آن توسط همه مذاهب، این قابلیت وجود دارد که در زمان حال نیز پذیرفته و به آن توجه شود. لایه دومی که بر معماری خانه یهودیان و زرتشتیان موثر بوده‌است، ذیل عقاید و رسوم مذهبی آنها، با بازتعریف و حدودبخشی به این اصول، فضاهای خاصی را مطابق با فرهنگ دینی آنها و در پاسخگویی به موضوع امنیت، معیشت و دستورات شریعت در رابطه با زنان و هم‌کیشان، به‌وجود آورده‌است (معماریان و دیگران، ۱۳۸۹). از جمله فضاهای مخصوص به خانه‌های زرتشتی می‌توان به پس‌گم مس که صفحه‌ای شمالی-جنوبی برای انجام آداب مذهبی و دستانستان که اتاقی برای نگهداری زنان در دوره عادت ماهیانه است، اشاره نمود. ساختار محله‌سازی متراکم با کوچه‌های باریک و دیوارهای بلند به منظور محافظت از دشمنان هم در محلات زرتشتی‌نشین و هم یهودی‌نشین شهر کرمان قابل مشاهده می‌باشد.

۳-۵- معرفی کلی خانه‌های دوره قاجار

جدول ۱: معرفی کلی خانه‌های دوره قاجار (منبع: نگارندگان)

نام خانه	نام محله	پلان بنا	نام خانه	نام محله	پلان بنا
۱ اعظمی	ته باغ الله		۱۳ اسلامیت	خارج دروازه ناصریه	
۲ موحدی	قبه سبز		۱۴ دکتر باخدا	پامنا	
۳ سجادی	شهر		۱۵ دانایی	شهر	
۴ بانگ توکلی	-		۱۶ پورثانی	زریسف	
۵ خوشبخت	قلعه محمود		۱۷ اوشیدری ۱	زریسف	
۶ کریم نژاد	شهر		۱۸ اوشیدری ۲	زریسف	
۷ نیک اندیش	مسجد ملک		۱۹ رستم فرخزاد	زریسف	
۸ غفاری	مسجد ملک		۲۰ کاظمی	زریسف	
۹ دولت زاده	ناصریه		۲۱ سروشیان	زریسف	
۱۰ امینیان	خواجه خضر		۲۲ کلیمیان ۱	دولت خانه	
۱۱ الهامی	مسجد ملک		۲۳ کلیمیان ۲	دولت خانه	

	دولت خانه	کلیمیان ۳	۲۴		مسجد ملک	واعظی	۱۲
■ مسلمانان ■ زرتشتیان ■ کلیمیان							

۴-۵- تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه اعظمی)

جدول ۲: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌های مسلمانان در دوره قاجار (ماخذ: نگارندگان)

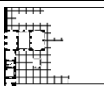
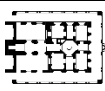
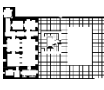

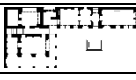


			
کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا
بازدید از افرادی که وارد خانه نمی‌شوند، گپ و گفت با مهمان هنگام خروج	هشتی	خوابیدن، غذا خوردن، نماز خواندن، بازدید از مهمان	اتاق ۱- تابستان نشین ۲- بهار نشین ۳، ۴، ۵- زمستان نشین ۶- پاییز نشین
محل قرار دادن وسایل اضافی خانه، محل نگهداری دام	انبار ۱- طولیله ۲- انبار	تعدیل نور آفتاب، نشستن، دسترسی به فضاهای مجاور	ایوان
تهیه نان و غذا	مطبخ ۱- تهیه غذا ۲- تهیه نان	فضای پذیرایی از مهمان و دورهم جمع شدن خانواده در تابستان	تنبیل خانه (حوضخانه)
راهروهای دسترسی	دالان	بازی بچه‌ها، گذاشتن تخت در تابستان، تهیه عرق‌های گیاهی	حیاط

۶-۵- خانه‌های پهلوی و شیوه زندگی در آنها

خانه‌های این دوره به دو بخش پهلوی اول و دوم تقسیم شده‌اند. خانه‌های بخش اول این دوره شامل: خرم، ایرانمش، مدیرالملک، نصیری و صنعتی ۱، ۲ و ۳ می‌باشند. حدود قدمت این خانه‌ها از ۱۳۲۰-۱۳۰۴ است. در دوره پهلوی دوم نیز به بررسی خانه‌های: اسماعیل‌زاده، ایلاقی، دکتر داوودی، دوست محمدی، روزخوش، شجاعی، قادری، میرحسینی می‌پردازیم. عمر خانه‌های این دوره حدود ۶۰ سال است.

۷-۵- معرفی کلی خانه‌های دوره پهلوی اول

جدول ۳: معرفی کلی خانه‌های دوره پهلوی اول (ماخذ: نگارندگان)

پلان بنا	نام محله	نام خانه		پلان بنا	نام محله	نام خانه	
	والی آباد	صنعتی ۱	۵		چوپان محله	خرم	۱
	والی آباد	صنعتی ۲	۶		-	ایرانمش	۲
	والی آباد	صنعتی ۳	۷		زرسیف	مدیرالملک	۳
					-	نصیری	۴

۸-۵- تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه خرم)

جدول ۴: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها در دوره پهلوی اول (ماخذ: نگارندگان)

				
کاربرد ها	نام فضا	کاربرد ها	نام فضا	
تهیه نان و غذا	مطبخ ۱-تهیه غذا ۲-تهیه نان	خوابیدن، غذاخوردن، نماز خواندن، بازدید از مهمان	اتاق ۱-مهمان خانه ۲-اتاق پدر ۳-اتاق بچه‌ها ۴-اتاق بچه‌ها و مادر	
فضاهای دسترسی	راهرو	تعدیل نور آفتاب، نشستن	ایوان	
فضای شست و شو	مستراح و حمام	گپ و گفت با مهمان هنگام خروج، فضای تقسیم محل قرار دادن وسایل اضافی خانه، انبار	هشتی صندوقخانه	

۹-۵- معرفی کلی خانه های دوره پهلوی دوم

جدول ۵: معرفی کلی خانه‌های دوره پهلوی دوم (ماخذ: نگارندگان)

پلان بنا	نام محله	نام خانه	پلان بنا	نام محله	نام خانه
	-	روزخوش ۱۲		چوپان محله	اسماعیل زاده ۸
	-	شجاعی ۱۳		پانصد دستگاه	ایلافی ۹
	شهاب	قادری ۱۴		گلبازخان	دکتر داوودی ۱۰
	پانصد دستگاه	میر حسینی ۱۵		-	دوست محمدی ۱۱

۱۰-۵- تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه اسماعیل زاده)

جدول ۶: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها در دوره پهلوی دوم (ماخذ: نگارندگان)

				
کاربرد ها	نام فضا	کاربرد ها	نام فضا	

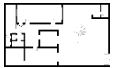
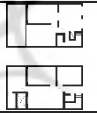
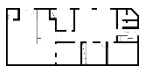
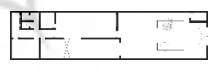


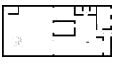

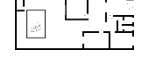

پخت غذا، شست و شوی ظروف	مطبخ	خوابیدن، غذاخوردن، نماز خواندن	اتاق
فضاهای دسترسی	راهرو	پذیرایی از مهمان، غذاخوردن، نماز خواندن، خوابیدن	مهمان خانه
فضای شست و شو	مستراح و حمام	دوره می خانواده، غذاخوردن، نماز خواندن، خوابیدن	هال
پارک ماشین، غذاخوردن، استراحت کردن، بازدید از همسایگان، خشک کردن مواد خوراکی پخت نان، پهن کردن لباس، قرار دادن لوازم اضافی خانه	حیاط حیاط خلوت	پارک ماشین، قرار دادن لوازم اضافی خانه	گاراژ

۱۱-۵- خانه‌های معاصر و شیوه زندگی در آنها

خانه‌های این دوره به دو بخش اوایل انقلاب و دوره دوم خانه‌های کاملاً معاصر تقسیم‌بندی می‌شوند. خانه‌های دوره اول با قدمتی حدود ۳۰ سال ساخت انتخاب شده‌اند و به دهه‌های ۶۰ هجری شمسی برمی‌گردند. سازمان‌دهی فضایی و الگوهای ساخت خانه‌های این دوره تا حد زیادی به دوره قبل از خود (پهلوی دوم) شباهت دارند. از فضاهای بارز خانه‌های این دوره می‌توان به هال، گلخانه (پاسیو) و حیاط خلوت اشاره کرد. در دسته دوم از این دوره که خانه‌های کاملاً معاصر هستند، تنوع زیادی در الگو و شیوه‌های ساخت آن‌ها مشاهده می‌گردد. تعداد طبقات خانه‌های این دوره به نسبت دوره‌های پیش بیشتر، مصالح استفاده شده متنوع‌تر و سازمان فضایی غالبی بر آنها مشاهده نمی‌گردد.

۱۲-۵- معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب

جدول ۷: معرفی کلی خانه‌های دوره اوایل انقلاب (ماخذ: نگارندگان)

شکل کلی بنا	نام محله	نام خانه	شکل کلی بنا	نام محله	نام خانه
	شهاب	سیدی		شهرک ایرانمنش	ابوسعیدی
	-	قهاری		-	اسماعیل زاده
	الغدیر	مجمع مس		گلدشت	انجم شعاع
	هزار و یک شب	محمدی		زرسیف	برهانی
	شهرک ایرانمنش	موسوی		جهاد	توحیدی

۱۳-۵- تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها (خانه سیدی)

جدول ۸: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه‌ها در دوره اوایل انقلاب (ماخذ: نگارندگان)

			
کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا

اتاق	خوابیدن، نماز خواندن	آشپزخانه	محل تهیه غذا
مهمان خانه	پذیرایی از مهمان، محل خواب مهمان	راهرو	فضاهای دسترسی
هال	جمع شدن اعضای خانواده و آشنایان خیلی نزدیک، غذا خوردن، نماز خواندن، خوابیدن	دستشویی و حمام	فضای شست و شو
انباری	محل قراردادن وسایل اضافی خانه، انبار	حیاط ۱- حیاط اصلی ۲- حیاط خلوت	فضای سبز خانه، محل استراحت در فصل تابستان

۱۴-۵- معرفی کلی خانه های دوره متاخر

جدول ۹: معرفی کلی خانه های دوره معاصر (ماخذ: نگارندگان)

شکل کلی بنا	نام محله	نام خانه	شکل کلی بنا	نام محله	نام خانه
	سرباز	قربانی		شهرک مطهری	امیری ۱۱
	شهرک مطهری	قریشی		سلسبیل	مغفوری ۱ ۱۲
	جهاد	محمدی		پارک مادر	شریعتی نیا ۱۳
	مشتاق	مغفوری ۲		-	صالح ۱۴

۱۵-۵- تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها (خانه قریشی)

جدول ۱۰: تطبیق شیوه زندگی با پلان خانه ها در دوره معاصر (ماخذ: نگارندگان)

کاربردها	نام فضا	کاربردها	نام فضا
دسترسی به طبقات بالایی ساختمان	پله	خوابیدن، نماز خواندن، انجام فعالیت های کاری	اتاق
فضای شست و شو	دستشویی و حمام	پذیرایی از مهمان، دورهمی اعضای خانواده، خواب در برخی از مواقع، صرف غذا، نماز خواندن	پذیرایی
پهن کردن لباس های شسته شده، قرار دادن گل و گیاه، خشک کردن برخی از مواد خوراکی	تراس	فضای تقسیم و قرار دادن میلمانی مانند کمد	هال
		محل تهیه غذا، صرف صبحانه، دورهم جمع شدن خانم ها	آشپزخانه

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این بخش تغییرات شیوه زندگی از دوره قاجار تا معاصر که موثر بر الگوی کالبدی و به تبع عملکرد فضایی و فعالیت‌های وابسته به کالبد خانه می‌باشند توضیح داده شده‌اند. نتایج بیانگر آن است که عنصر حیاط به عنوان فضایی باز که در خانه‌های متقدم نقش‌های کارکردی متنوعی را می‌پذیرفته‌است به مرور زمان در کالبد خانه‌ها کم‌رنگ‌تر شده‌است و به تدریج در طول تاریخ جای خود را با فضاهای نیمه باز (ایوان) و بسته (هال) عوض کرده‌است. همچنین سیر سلسله مراتب فضایی خانه‌ها کم عمق‌تر و تنوع فضایی پاسخگو به نیازهای گوناگون کاربران (آنچنان که در خانه‌های دوره‌های اولیه مشاهده می‌گردد) از بین رفته‌است. هرچند نقش تغییر سبک زندگی در موارد بیان شده کاملاً محسوس است اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت خانه‌های متاخر مانند خانه‌های پیش از خود منطبق با خواست‌ها و نیازهای کاربران نمی‌باشند.

۶-۱- سیر تغییر کالبدی الگوی پلان

الگوی پلان در دوره قاجار مبتنی بر حیاط است و جهت‌گیری و دسترسی سایر فضاها از این فضا است. در دوره پهلوی اول اگرچه باز هم الگوی حیاط مرکزی قابل مشاهده می‌باشد، اما الگوی غالب خانه‌ها مبتنی بر فضای اتاق است که توسط راهروها دسترسی به آنها صورت می‌گیرد. در این دوره حیاط به عنوان فضایی جدا و جلوی خانه قرار می‌گرفته که این جدایی تنوع کارکردی سابق حیاط را از بین برده‌است. در دوره‌های پهلوی دوم و اوایل انقلاب الگوی ثابت و غالب پلان خانه‌ها مبتنی بر فضای هال است که هم وظیفه ایجاد دسترسی به سایر فضاها و هم کارکردهای دیگری مانند جایی برای نشستن، استراحت کردن، غذا خوردن و مانند اینها دارد.

جدول ۱۱: سیر تغییر کالبدی الگو و گونه‌های پلان (ماخذ: نگارندگان)

متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار
-	مرکزگرا با محوریت هال	مرکزگرا با محوریت هال	راهرودار	مرکزگرا با محوریت حیاط

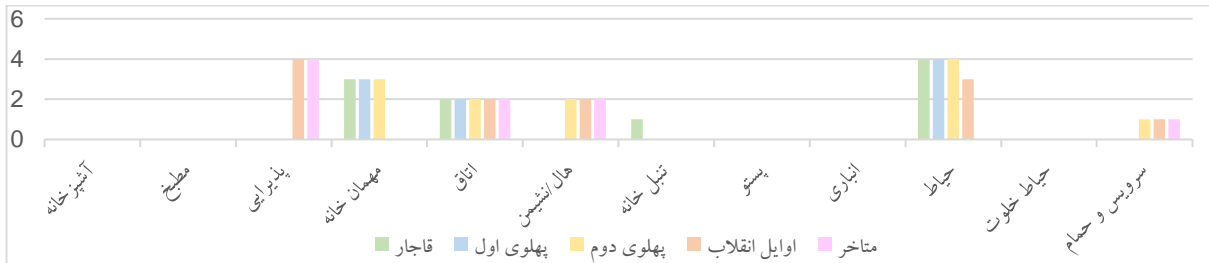
۶-۲- سیر تغییر سلسله مراتب فضایی خانه‌ها

در همه دوره‌ها شروع دسترسی به خانه از فضای کاملاً عمومی (کوچه/خیابان) تا فضای کاملاً خصوصی (اتاق) در نظر گرفته شده‌است. همانگونه که از دیاگرام‌های زیر معلوم است، از دوره قاجار سیر تنوع فضایی به مرور کم‌تر شده و امکان دسترسی بی‌واسطه‌تر از فضای عمومی به خصوصی ایجاد گشته‌است. در جدول زیر ابتدا دیاگرام‌های این سلسله‌مراتب فضایی ترسیم گشته‌است و سپس این سیر دسترسی فضایی بر روی پلان خانه منتخب هر دوره نشان داده شده‌است.

ورودی در خانه‌های قاجار پس از معبر عمومی شامل فضای پیش‌ورودی (پیرنشین و درب)، هشتی و دالان است. در دوره پهلوی این الگو به درب و دالان (در مواردی هشتی و دالان) و در دوره‌های بعد به درب تقلیل پیدا می‌کند.

محوربندی فضایی، مرکزگرایی هندسی، سلسله‌مراتب، ریتم و ارتباط بصری از عواملی است که نقش اساسی در وحدت بخشیدن به کالبد خانه و محلات کرمان [در دوره‌های تاریخی متقدم] به عهده دارند. محوربندی فضایی و مرکزگرایی هندسی از طریق تاکید بر کانون‌های فضایی - کالبدی در معماری خانه‌ها نمود یافته‌است (هاشمی طغرالجردی و دیگران، ۱۳۹۶).

فعالیت‌های برآورنده نیازهای غیر مادی و کالبد وابسته به آن	نماز خواندن	وضو گرفتن	پذیرایی از مهمان	ارتباط با همسنگان	دوره‌های خانوادگی	بازی کردن بچه‌ها
<p style="text-align: center;"> ■ قاجار ■ پهلوی اول ■ پهلوی دوم ■ اوایل انقلاب ■ متاخر </p>						



نمودار ۵: ما به ازاء کالبدی فعالیت‌های برآورنده نیازهای ذهنی و فراوانی آنها(ماخذ:نگارندگان)

۶-۶- اهمیت فضا

در انتها به منظور جمع‌بندی و مقایسه اهمیت فضا از نظر شیوه زندگی و کارکرد، فضای کالبدی و ذهنیت ساکنین در دوره‌های مختلف ضمن جدول ذیل ارائه شده است. در یک بیان کلی می‌توان گفت که در دوره قاجار حیاط، در دوره پهلوی ایوان و در دوره معاصر فضای هال با اهمیت‌ترین فضاهای خانه است. شاید بتوان گفت سیر تغییر اهمیت فضا از فضای باز و چند عملکردی حیاط به فضای نیمه باز و چند عملکردی ایوان و در نهایت فضای بسته و چند عملکردی هال می‌باشد.

ساکنین	کالبدی	شیوه زندگی و کارکرد	اهمیت فضا
حیاط	حیاط	اتاق، حیاط، مطبخ	قاجار
ایوان	اتاق، ایوان، حیاط	اتاق، حیاط، مطبخ	پهلوی
هال	هال	هال، پذیرایی، اتاق	معاصر

جدول ۱۶: اهمیت فضا در دوره‌های مختلف تاریخی(ماخذ:نگارندگان)

۶-۷- کلام آخر

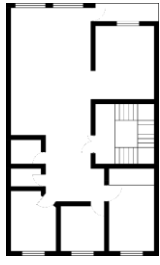
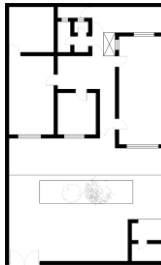
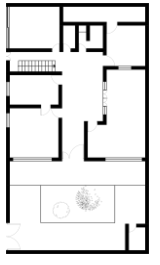
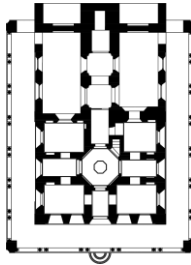
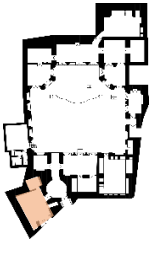
تاثیر متقابل تغییرات الگوهای کالبدی خانه و شیوه زندگی در دوره‌های تاریخی هدف اصلی این پژوهش است. در این راستا تغییرات صورت گرفته در کالبد و شیوه زندگی به صورت عینی در شهر کرمان بررسی و در نهایت این شیوه سکونت در ساختار کالبدی مسکن در ابعاد معیشتی، فرهنگی، اجتماعی و زیستی به شرح زیر تجلی یافته است.

۶-۸- بعد معیشتی

ارتباط نسبتاً مستقیمی میان فضای کار و تجارت و کالبد خانه‌های شهر کرمان در دوره تاریخی قاجار مشاهده می‌شود. فعالیت‌هایی مانند قالی‌بافی، شال‌بافی، رنگرزی و... در فضای اتاق صورت می‌گرفته است و کارهایی مانند کشاورزی و دامپروری گرچه بیرون از محیط کالبدی خانه انجام می‌شده‌اند، اما فضاهایی به منظور نگهداری محصولات کشاورزی و دامی در خانه‌ها در نظر گرفته شده است. در دوره معاصر ارتباط خانه با کار به شدت کم‌رنگ‌تر شده به طوری که غالباً فضایی برای انجام فعالیت معیشتی در نظر گرفته نمی‌شود.

جدول ۱۷: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد معیشتی(فضای کار و تجارت) در دوره‌های مختلف تاریخی(ماخذ:نگارندگان)

معیشتی					بعد
فضای کار و تجارت					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	غفاری	خانه

					فضا
-	-	-	-	رنگرزانه	

تولید برخی از مواد غذایی در طول سال در خانه‌های همه دوره‌ها صورت می‌گرفته‌است. تفاوتی که میان آنها وجود دارد مربوط به حجم و تنوع تولید و تنوع فضاهایی است که این مواد در آن فضاها تولید می‌شده‌اند. در خانه‌های قاجار و پهلوی دامنه فضاهایی که مواد غذایی در آنها تولید می‌شده‌است، از حیاط، زیرزمین تا مطبخ بوده که بسته به نوع مواد غذایی و مصرف روزانه یا سالانه آن، استفاده از این فضاها متفاوت است. بطور مثال غذا و نان مصرفی روزانه در مطبخ تولید می‌شده‌است، اما برخی عرقیجات طبیعی در حیاط و تولید کشمش و مانند اینها در زیرزمین (سردخانه) صورت می‌گرفته‌است. در دوره معاصر تهیه و آماده‌سازی مواد غذایی تا حد زیادی به آشپزخانه محدود می‌شود.

جدول ۱۸: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد معیشتی (تولید برخی از مواد غذایی) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

معیشتی					بعد
تولید برخی از مواد غذایی					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اسلامیت	خانه
					فضا
آشپزخانه	حیاط/آشپزخانه	حیاط/مطبخ	حیاط/مطبخ	حیاط/مطبخ/پستو	

و در آخر شیوه نگهداری مواد غذایی نیز به گونه‌ای بوده‌است که در خانه‌های تمامی دوره‌ها برای نگهداری مواد غذایی فضاهایی در نظر گرفته می‌شده‌است. اما ابعاد و محل قرارگیری آن در دوره‌های مختلف متفاوت است، به طوری که در خانه‌های قاجار و پهلوی غالباً این فضا در زیرزمین به علت آب و هوای گرم شهر کرمان و به منظور خنک نگه‌داشتن آنها برای حفظ بهتر و بیشتر مواد غذایی بوده‌است. اما این فضا در خانه‌های دوره معاصر به علت وجود یخچال و فریزر در آنها به فضای آشپزخانه و یا یک انبار در مجاور آن محدود می‌شود.

جدول ۱۹: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد معیشتی (شیوه نگهداری مواد غذایی) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

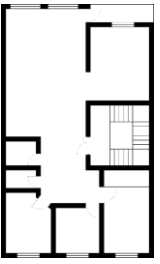

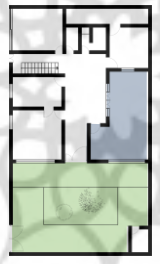
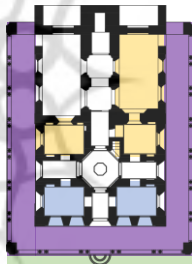
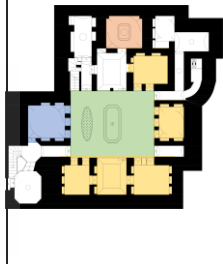
معیشتی					بعد
شیوه نگهداری مواد غذایی					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اعظمی	خانه

					فضا
آشپزخانه	آشپزخانه	مطبخ	مطبخ/پستو	مطبخ/پستو	

۹-۶- بعد فرهنگی

برگزاری مراسم مذهبی و قومی مانند مراسم عزاداری، عروسی، ختم، آئینی به دلیل ارتباطات قوی تر خانوادگی و قومی دارای وجه غالب تری در خانه های دوره قاجار و پهلوی و حتی خانه های دوره اوایل انقلاب بوده است. در خانه های متاخر و معاصر این بعد کم رنگ تر شده و فضاهای حیاط و مهمان خانه که در دوره های پیشین عهده دار وجه کالبدی این رویدادها بودند، نقش خود را در خانه های معاصر از دست داده اند.

جدول ۲۰: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد فرهنگی در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

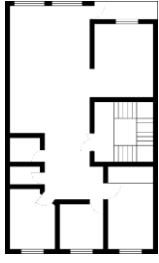
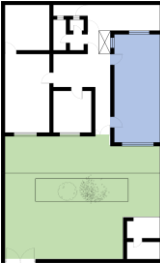

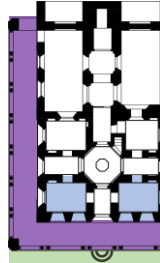

فرهنگی					بعد
برگزاری مراسم مذهبی و قومی					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل زاده	خرم	اعظمی	خانه
					فضا
خارج از فضای کالبدی خانه در تالارها، مساجد	حیاط/مهمان خانه	حیاط/مهمان خانه	حیاط/مهمان خانه/اتاق/ایوان	حیاط/تنبیل خانه/مهمان خانه/اتاق	

۱۰-۶- بعد اجتماعی

ارتباط با همسایگان به دلیل تغییر شیوه زندگی در خانه های متاخر دارای وجه کالبدی کم رنگ تری است. به طوری که در خانه های قاجار شاهد آن هستیم که این ارتباط روی کالبد هر خانه به تنهایی و بافت همسایگی که شامل چند خانه که همسایه بوده اند و ارتباط قوی تری نسبت به خانه های موجود در همان بافت داشته اند، تاثیرگذار بوده است. به طور مثال در خانه های سنتی هر چند خانه به دلیل همجواری با هم و بافت ارگانیک و در هم تنیده ای که با هم داشته اند، ارتباط با همسایگان هم در بیرون خانه و هم درون خانه و در فضای ورودی (پیرنشین، هشتی)، حیاط، مهمان خانه، ایوان (بسته به درجه آشنایی و همبستگی با همسایگان) اتفاق می افتاده است.

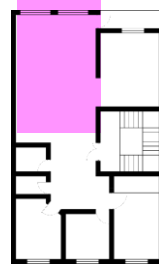
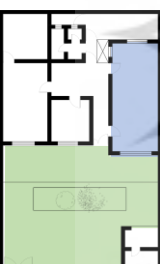

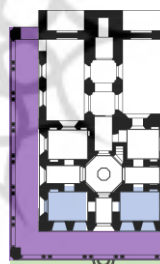

جدول ۲۱: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد اجتماعی (ارتباط با همسایگان) در دوره های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی					بعد
ارتباط با همسایگان					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل زاده	خرم	اعظمی	خانه

					فضا
-	حیات / مهمان خانه	حیات / مهمان خانه	حیات / مهمان خانه / ایوان	حیات / مهمان خانه / ایوان	

پذیرایی از مهمان به دلیل نوع ارتباطات فرهنگی مردم کشور ما در همه دوره‌های تاریخی وجه خود را در خانه‌ها حفظ کرده‌است، اما فضای کالبدی که در زمان گذشته مهمان‌خانه و در زمان حال پذیرایی نام گرفته‌است به لحاظ کالبدی از نظر ابعاد، تزئینات، محل قرارگیری در خانه و کارکرد دچار دگرگونی شده‌است. در زمان گذشته فضای مهمان‌خانه دارای عملکردهای متنوعی از قبیل پذیرایی از مهمان، خواب، صرف غذا، دوره‌می‌های خانوادگی و فامیلی، برگزاری برخی از آئین‌ها بوده‌است، اما در زمان حاضر این تنوع کارکرد به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته‌است.

جدول ۲۲: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد اجتماعی (پذیرایی از مهمان) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی					بعد
پذیرایی از مهمان					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قربشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اعظمی	خانه
					فضا
پذیرایی	حیات / مهمان خانه	حیات / مهمان خانه	حیات / مهمان خانه / ایوان	حیات / تنبل خانه / مهمان خانه / ایوان	

بازی کودکان در خانه‌های قاجار و پهلوی از همان دوران بچگی با هم سن و سالان خود در محیط اطراف خانه (کوچه و معبر) و فضای داخل خانه، شامل حیاط و اتاق‌ها شکل می‌گرفته‌است. اما در زمان حال این ارتباطات در صورت وجود، بیرون از فضای خانه صورت می‌پذیرد و در داخل خانه مانند دوران گذشته شاهد استفاده از فضای یادشده برای این امر مانند گذشته نیستیم.

جدول ۲۳: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد اجتماعی (بازی کودکان) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی					بعد
بازی کودکان					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قربشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اعظمی	خانه

					فضا
اتاق	حیاط/اتاق	حیاط/اتاق	حیاط/اتاق / ایوان	حیاط/اتاق / ایوان	

اوقات فراغت و بازی‌های دسته‌جمعی نیز مانند موارد پیشین آنچنان که در خانه‌های قاجار و پهلوی شاهد آن بودیم، جایگاه خود را حفظ نکرده‌اند و از آنجا که گرایش به فردگرایی میان اعضای خانواده و به همان نسبت میان اعضای فامیل و آشنایان و دوستان زیاد شده‌است، قرارگاه‌های رفتاری که این نوع فعالیت در گذشته در آن صورت می‌گرفته‌است، دیگر تشکیل نمی‌شود. در خانه‌های دوره قاجار به طور مثال شاهد آن هستیم که بعد از ظهرهای تابستان خانواده‌ها تخت‌هایی چوبی را در حیاط قرار می‌دادند و تا شب هنگام دور هم جمع می‌شدند و همین دور هم جمع شدن‌ها باعث انجام بازی و سرگرمی‌های گروهی می‌شد. هرچند که در آن دوره بعضی خانواده‌ها اوقاتی را بیرون از خانه برای فراغت سپری می‌کردند، اما به نسبت گذارندن آن زمان در خانه بسیار کم بوده‌است. به طوری که می‌توان گفت که زمان حال با دوران گذشته از نظر سپری کردن اوقات فراغت و بازی‌های دسته‌جمعی در داخل و بیرون از خانه نسبتی معکوس وجود دارد.

جدول ۲۴: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد اجتماعی (اوقات فراغت و بازی‌های دسته‌جمعی) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

اجتماعی					بعد
اوقات فراغت و بازی‌های دسته‌جمعی					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قربشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اعظمی	خانه
					فضا
-	حیاط	حیاط	حیاط/ایوان	حیاط/تنبیل‌خانه/ایوان	

۱۱-۶- بعد زیستی

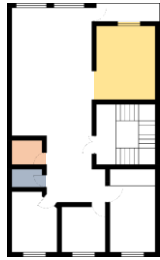
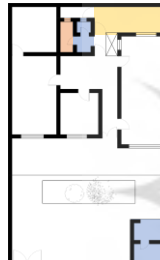

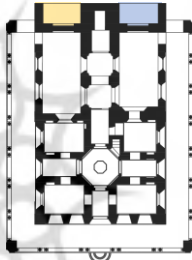
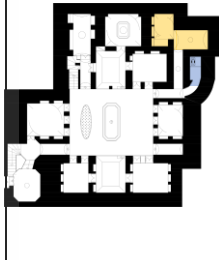
تهیه غذا، استحمام، سرویس از دوره قاجار تا دوره معاصر تغییراتی که داشته‌اند شامل قرارگیری آنها در خانه، ابعاد و اندازه و نوع مبلمان فضایی است. تهیه غذا در خانه‌های دوره قاجار و پهلوی در مطبخ انجام می‌شده‌است. مکان قرارگیری این فضا در خانه‌های آن دوره معمولاً در گوشه‌ای از حیاط بوده‌است، اما بعضاً در برخی از خانه‌ها شاهد هستیم که این فضا در زیرزمین خانه تعبیه شده‌است. در مطبخ برخی از خانه‌ها فضایی برای پخت نان و همچنین پستوهایی برای نگهداری مواد غذایی و دسترسی آسان از آنها به مطبخ برای پخت غذا وجود داشته‌است. ابعاد و اندازه مطبخ در خانه‌های این دوره به نسبت سطح اجتماعی و اقتصادی ساکنان خانه متفاوت است، به طوری که در خانه‌های اعیان‌نشین فضای مطبخ رو به حیاطی باز می‌شده که کاملاً مخصوص خدمه خانه در نظر گرفته شده‌است.

دوره گذار تغییر نسبی فضای مطبخ به آشپزخانه از دوره پهلوی دوم آغاز می‌شود. در این دوره آشپزخانه به دورن خانه می‌آید و عملکردهای جنبی آشپزخانه تا حد زیادی از بین می‌رود. به تدریج ساختاری که از این دوره برای آشپزخانه‌ها به وجود آمده‌است وجه غالب ساختار این فضا در دوره‌های بعد می‌شود.

استحمام در خانه‌های دوره قاجار معمولاً بیرون از خانه و در حمام‌های عمومی شکل می‌گرفته‌است. هر محله دارای یک حمام بوده‌است که مجموع چند خانه از آن استفاده می‌کردند. اما برخی از خانه‌ها دارای حمام درون خود بوده‌اند. در آن دوره استحمام مانند زمان حال فواصل کوتاهی نداشته و مساله قراردادن حمام درون خانه به دلیل محدودیت‌های مالی اهمیت آنچنانی برای خانواده‌های با سطح اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر جامعه نداشته‌است. از دوره پهلوی دوم که زیرساخت‌های شهری مانند لوله کشی آب به شهر اضافه می‌شود، قرار گرفتن حمام داخل خانه‌ها وجه غالب‌تری پیدا می‌کند.

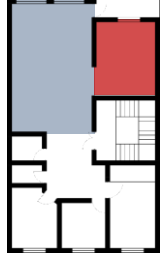


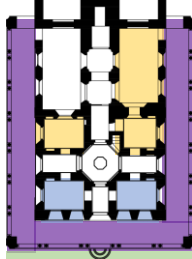
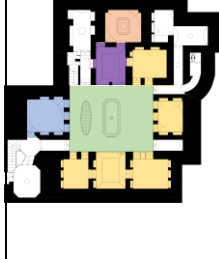
و در آخر سرویس در خانه‌های همه دوره‌ها حدوداً در ابعاد و اندازه‌ای برابر با مکان قرارگیری متفاوت به چشم می‌خورد. مانند فضای تهیه غذا و حمام این فضا نیز در خانه‌های دوره قاجار و پهلوی در گوشه‌ای از حیاط و بیرون از فضای زیست روزانه افراد خانواده تعبیه می‌شده‌است. از دوره پهلوی دوم این فضا وارد خانه می‌شود. هرچند از این دوره تا دوره معاصر بعضاً در برخی از خانه‌ها یک سرویس بهداشتی مجزا در گوشه‌ای از حیاط، علاوه بر سرویس بهداشتی داخل ساختمان، به جهت حفظ نظافت و پاکیزگی بیشتر مشاهده می‌شود.

جدول ۲۵: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد زیستی (تهیه غذا، استحمام، سرویس) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

زیستی					بعد
تهیه غذا، استحمام، سرویس					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اعظمی	خانه
					فضا
آشپزخانه/دستشویی / حمام	آشپزخانه/دستشویی / حمام	مطبخ/مسترخ/حمام	مطبخ/مسترخ	مطبخ/مسترخ	


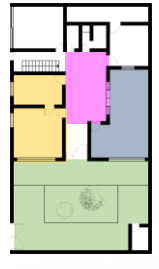
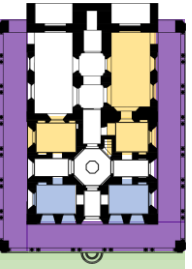
محل صرف غذا در دوره‌های مختلف وجه کالبدی متفاوتی داشته‌است. در دوره قاجار محل صرف غذا درون اتاق‌ها و یا در زمان حضور مهمان، داخل مهمان‌خانه بوده‌است. در دوره پهلوی محل صرف غذا علاوه بر اتاق و مهمان‌خانه به درون هال نیز منتقل می‌شود، جایی که اعضای خانواده غذای خود را دور هم می‌خورند. در دوره‌های متاخر آشپزخانه نیز علاوه بر کارکرد اصلی خود (طبخ غذا) محلی برای صرف غذا را نیز شامل می‌شود و اتاق دیگر کاربرد آنچنانی برای این فعالیت ندارد.

جدول ۲۶: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد زیستی (صرف غذا) در دوره‌های مختلف تاریخی (ماخذ: نگارندگان)

زیستی					بعد
صرف غذا					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل‌زاده	خرم	اعظمی	خانه
					فضا

پذیرایی/آشپزخانه	حیاط/ مهمان خانه / هال	حیاط/ مهمان خانه / هال	حیاط/ مهمان خانه /اتاق/ ایوان	حیاط/تبل خانه/مهمان خانه/اتاق/ ایوان
------------------	---------------------------	---------------------------	----------------------------------	---

فضای خواب در طی دوره‌های تاریخی دامنه کالبدی محدودتری پیدا می‌کند. در دوره‌های قاجار و پهلوی اول، مهمان‌خانه و حیاط برای خوابیدن استفاده می‌شده‌است. اما در دوره‌های متاخر این عملکرد تا حد زیادی به اتاق خواب انتقال می‌یابد. جدول ۲۷: بررسی ما به ازاء کالبدی بعد زیستی(خواب) در دوره‌های مختلف تاریخی(ماخذ:نگارندگان)

زیستی					بعد
خواب					کاربرد
متاخر	اوایل انقلاب	پهلوی دوم	پهلوی اول	قاجار	دوره
قریشی	سیدی	اسماعیل زاده	خرم	اعظمی	خانه
					فضا
پذیرایی / اتاق	حیاط / مهمان خانه /هال / اتاق	حیاط / مهمان خانه /هال / اتاق	حیاط / مهمان خانه /اتاق / ایوان	حیاط / مهمان خانه / اتاق / ایوان	

پی‌نوشت

۱- شیوه زندگی نزدیک‌ترین اصطلاح به سبک زندگی است. شیوه زندگی، که در متون قدیمی‌تر دیده می‌شود، مفهومی کلی‌تر از سبک زندگی است و عموماً به معنی چارچوب کلان زندگی است. روانشناسان و جامعه‌شناسان از پیشگامان نظریه‌پردازی در موضوع سبک زندگی‌اند؛ درحالی‌که آدلر بر تیپ شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی در تعریف سبک زندگی تأکید دارد، ویلن در نظریه طبقه مرفه از سبک‌های فراغت، مد و مصرف تظاهری، سبک‌های مدرن زینتی و شاکله نمایی زندگی و عادات زندگی صحبت می‌کند. وبر به تفاوت‌های مشهود زندگی گروه‌های منزلتی از جمله تفاوت در سبک آرایش موها، پوشاک، عادات تغذیه، تقسیم کار بین زن و مرد و قیافه تظاهری اشاره می‌کند و از اصطلاحاتی همچون سبک زندگی معمول، الگوهای مصرف مادی، سبک سکونت، سبک زندگی اقتصادی، سبک زندگی هنری، سبک زندگی اجتماعی و سبک زندگی نجیب‌زادگی صحبت می‌کند. وبر به صورت تلویحی سبک زندگی را اصول مصرف کالاها در بین گروه‌های منزلتی تعریف می‌کند؛ بامسامحه می‌توان گفت، درحالی‌که طبقات بر مبنای رابطه‌شان با تولید و دسترسی به کالاها قشربندی می‌شوند، گروه‌های منزلتی بر مبنای اصول مصرف کالاها، که در سبک‌های ویژه زندگی آنها منعکس می‌شود، قشربندی می‌شوند.

۲- در غیر این صورت سعی گردید از افرادی که با نحوه زندگی در خانه‌ها آشنایی داشته‌اند مانند نسل‌های بعد از ساکنان پیشین مصاحبه انجام شود.

منابع

- افشاری، محسن. (۱۳۹۹). تبیین مولفه‌ها و پرسشنامه معانی سکونت و انتظام فضاهاى زندگی. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران. شماره ۱۷، صص. ۲۳۷-۲۵۱.
- دریاگشت، محمدرسول. (۱۳۷۰). کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). انسان‌شناسی مسکن. مترجم: افیلیان، خسرو. مشهد: آستان قدس رضوی.
- روحانی، علی؛ هاشمی، سمیه؛ خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۹). سبک زندگی و هویت ملی. مطالعات ملی. شماره ۴۴، صص. ۱۲۷-۱۵۲.
- زارع، بیژن؛ فلاح، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی سبک زندگی جوانان در شهر تهران و عوامل موثر بر آن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره پنجم، شماره ۴، صص. ۱۰۵-۷۵.
- صادق پی، ناهید. (۱۳۹۱). تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران. نشریه شهر و معماری بومی. شماره ۲، صص. ۲۴-۷.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۶). مدرنیته و مسکن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۱، صص. ۶۳-۲۵.
- فردانش، فرزین؛ محمدحسینی، پریسا؛ حیدری، علی اکبر. (۱۳۹۳). تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز بر اساس نظریه ریپورت. دوفصلنامه مطالعات معماری ایران. شماره ۵، صص. ۸۱-۹۹.
- معماریان، غلامحسین؛ هاشمی طغراجرودی، سید مجید؛ کمالی پور، حسام. (۱۳۸۹). تاثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه: مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان. فصل نامه تحقیقات فرهنگی. دوره سوم، شماره ۲، صص. ۲۵-۱.
- مهندسین مشاور شارستان. (۱۳۸۶). طرح ساماندهی و بهسازی بافت کهن شهر کرمان. تهران: سازمان عمران و بهسازی شهری ایران.
- میخائیل میخائیلوویچ، دیاکونوف. (۱۳۴۶). تاریخ ایران باستان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- وزیری کرمانی، احمد علی. (۱۳۸۵). جغرافیای کرمان. به تصحیح: محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات ابن سینا.
- هاشمی طغراجرودی، سید مجید؛ آصفی، مازیار؛ مهاجرى، مظفر. (۱۳۹۶). توسعه‌پذیری فضای انسان ساخت با خلاقیت در گشایش فضایی خانه‌های سنتی کرمان. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. شماره ۱۴، سال پنجم، صص. ۲۰-۴.
- یزدانفر، سید عباس آقا؛ ضرابی الحسینی، مهسا؛ ناصر دوست، زهره. (۱۳۹۵). الگوی مسکن ارومیه با توجه به شیوه زندگی در گذر زمان. تهران: انتشارات وزارت راه و شهرسازی.
- Giddens, A. (2006). *Modernity and self-identity: self and society in the late modern age*. California: Stanford University Press.
- Oliver, P. (1998). *Encyclopedia of vernacular architecture of the world*. Cambridge: Cambridge Univ. Press.
- Oliver, P. (2006). *Built to meet needs cultural issues in vernacular architecture*. Amsterdam: Architectural.
- Rapoport, A. (1980). Vernacular Architecture and the Cultural Determinants of Form', in A.D. King (ed.), *Buildings and Society: Essays on the Social Development of the Built Environment*, London: Routledge & Kegan Paul, pp. 283-305, ref. p. 284.
- Rapoport, A. (1987). On the Cultural Responsiveness of Architecture. *Journal of Architectural Education* (1984-), 41(1), 10-15.
- Rrrrrrr rA A(999) U tñnl llll Irr "" iH Hss iDD Dsi... *Housing and Society*, 25(1-2), 1-20.
- Rapoport, A. (2000). Theory, Culture and Housing. *Housing, Theory and Society*, 17(4), 145-165.

Original Research Article

Lifestyle Effect on Housing Spatial Organization (Case Study: Kerman)

fahim faryabi¹, Seyed-Abbas Yazdanfar^{2*}

1- Department of Architecture, School of architecture and environmental design, Iran university of Science and Technology, Tehran, Iran.

2- Associate professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Abstract

Housing researchers assume that this issue is more than just a human need for shelter and believe that culture is one of the main factors influencing the shape and form of a house. Since culture is a complex and very general concept, it needs to be developed into measurable components such as lifestyle. In recent years, ignoring cultural and anthropological studies has reduced the satisfaction and loss of cultural identity in housing. Changing the way of life during different historical periods and the direct relationship with the shape and form of housing enables us to study its impact on housing in different historical periods. This paper follows the change of spatiality in Kerman housing by studying the evolution of lifestyle changes.

The method of this research is descriptive-analytic. Firstly, by library studies, subject literature, and secondly by field studies, gathering existing samples in Kerman city, including houses in Qajar period, first Pahlavi, second Pahlavi, early Revolutionary and late modernity has been achieved.

Then, houses of each period have adapted physically based on interviews and questionnaires collected from their residents to determine the impact of lifestyle on physical structure.

Finally, in order to conclude analyzing the physical patterns based on the historical changes of lifestyle, the results show that the change of this factor has a direct and visible impact on the body of housing and lack of sufficient knowledge and studies in this field caused them not to be appropriate for users in the latest periods.

Key words: Housing Typology, Housing Shape, Housing Form, Lifestyle, Historical Evolution, Kerman